



امیرهادی تاج بخش

## چشم انداز مسایل نفتی ایران در منطقه و خاورمیانه

▼ هفت سال پس از آن که ویلیام ناکس داریسی (Wi-Knox) استرالیایی، امتیاز نفت ایران را از دولت وقت قجری گرفت، در یکی از چاه های حفاری شده در منطقه مسجد سلیمان، ماده سیاه رنگی با شدت و فشاری باورنکردنی، به سمت آسمان فوران کرد.

این رویداد، در زمانی رخ داد که داریسی دلیل عدم توانمندی لازم، امتیاز خود را که در واقع گنجی پنهان در دل خاک بود، به کمپانی نفت برمه- که شرکتی انگلیسی بود- واگذار کرده بود. یکصد و یک سال پیش، کارگران محلی که به همراه فرزندانشان در امر حفاری چاه های مسجد سلیمان مشارکت داشتند و شاید حتی کارفرمایان انگلیسی آنها نیز باور نمی کردند، ماده سیاه بدبویی که از چاه فوران می کند، چندین دهه بعد، به یکی از کلیدی ترین عوامل ژئواستراتژیک جهان تبدیل خواهد شد. از این روی بود که استعمارگران وقت، برای چندین دهه، نه تنها از منابع سوخت فسیلی ایران، که تمام منطقه خاورمیانه، به تاراج بردند بی آن که حتی آبی از آب تکان بخورد. مدتی پیش، جک استراو، وزیر خارجه پیشین انگلستان، طی اظهاراتی تکان دهنده، قرارداد داریسی را "اخاذی" آشکار امپراتوری انگلستان از دولت قاجار و لکه تاریکی در مناسبات دو کشور قلمداد کرد.

چشم انداز اقتصاد نفتی ایران در شرایط رکود جهانی اقتصاد در کشورهای نفت خیزی از جمله ایران، موضوع نفت در تمامی حوزه های سیاسی، اقتصادی و حتی اجتماعی، واجد آثاری عمیق است، اما بازخوردهای اقتصادی مسایل مرتبط با آن، از حوزه اقتصاد آغاز می شود.

به نظر می رسد چهار مولفه اصلی در اقتصاد تمامی کشورهای نفت خیز و بالتبع ایران تاثیر گذار است که عبارتند از: سهم بسیار بالای نفت در تولید ناخالص داخلی، و نیز در تراز پرداخت های خارجی، درصد بالای درآمدهای حاصل از فروش نفت خام در تامین منابع بودجه کشور و رقم بالای یارانه های پرداختی به مصرف کنندگان داخلی فرآورده های نفتی و گاز طبیعی. تاثیر بحران مالی جهانی که موبد ایجاد رکود و کساد در اقتصاد بین المللی است، شرایط تازه ای برای اقتصاد ایران پدید آورده است؛ اگرچه بازارهای مالی ایران به دلیل نداشتن ارتباطات بین المللی و مسدود بودن کانال های سرایت بحران، به طور مستقیم از بحران تاثیر نپذیرفته اند، اما وابسته بودن اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی بر کسی پوشیده نیست (براساس شاخص های مقایسه ای، میزان وابستگی ایران به نفت کمی از ونزوئلا بهتر است. اما با کشورهای دیگری چون امارات عربی متحده، قطر، کویت و عربستان سعودی فاصله زیادی دارد). پیامدهای تداوم کاهش قیمت

## ویژه نامه نفت

از این پس بنا داریم در هر شماره به یک مقوله در حوزه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و یا فرهنگی به صورت تخصصی بپردازیم.

نمی دانیم چرا، ولی این طور شد که از نفت شروع کردیم. شاید به این دلیل که اقتصاد ایران هم در این صد ساله فقط با نفت معنا پیدا کرده و یا جدیداً آغاز وعده های انتخاباتی از ارتباط نفت و سفره های مردم و فرمولی که آنها را به هم وصل می کند سخن به میان می آید. شاید هم به خاطر آن است که گاهی اوقات تحلیل ها حکایت از این دارد که مهم ترین بهانه حضور خارجی ها در داخل خاورمیانه، نفت است و یا هزاران شاید و نشاید دیگر. هدف، تمرکز تخصصی بر یک مقوله است تا بستری فراهم آید که در چند شماره بتوانیم به حقیقتی دست پیدا کنیم و آگاهی را همگانی تر سازیم. شما نیز می توانید موضوعاتی برای طرح در این بخش پیشنهاد یا در تهیه و تکمیل آن مشارکت کنید. در انتظار یاری سبزتان هستیم.

و  
حالا  
نفت.



نفت در سال آینده، دولت را با بحرانهای اقتصادی متعددی مواجه خواهد نمود که در این نوشتار، تلاش خواهیم نمود تا سرحد حوصله و مجال، به بررسی برخی از مهم‌ترین ابعاد آن پرداخته شود.

### دغدغه های کشورهای تولیدکننده

فروشنندگان نفت اکنون نگران این هستند که اقتصاد جهان بر اثر ادامه و گسترش بحران مالی به یک رکود عمیق دچار شود. چنین رکودی، به معنای کاهش مداوم تقاضای نفت در بازارهای جهانی خواهد بود.

بر اساس ارزیابی آژانس بین المللی انرژی، در شرایط کنونی تقاضا برای نفت به سطح سال ۱۹۹۳ سقوط کرده است. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که کشورهای صنعتی جهان - که مصرف کننده عمده نفت هستند - دست کم تا آینده نزدیک، نفت کمتری خریداری خواهند کرد.

برخی بر این باورند که با توجه به تحریم‌های اقتصادی کشور ما در خلال ۳ سال گذشته، بحران مالی جهانی تأثیر چندانی بر اقتصاد نداشته است و در واقع می‌توان گفت ما در یک جزیره ثابت زندگی می‌کنیم. اما در مقابل این مدعا، بسیاری از کارشناسان نه تنها ایران را جزیره ثابت در بحران جهانی دامنگیر کنونی نمی‌دانند بلکه معتقدند تأثیرات بحران کاهش قیمت نفت، اقتصاد کشورهای متکی به درآمدهای نفتی و از جمله ایران را بسدت در حوزه خطر قرار خواهد داد.

اگر چه در اثر تحریم‌های صورت گرفته و شرایط ایزوله‌ای که برای اقتصاد ایران پیش آمده است، ارتباط با بازارهای مالی و سرمایه‌های کاهش یافته، اما به واسطه وابستگی روزافزون اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی، به ویژه در سالهای اخیر، گسترش بحران در اقتصاد جهانی و کاهش معنی دار قیمت نفت در صورت تدبیر نامناسب، موجب شکنندگی و چالش در اقتصاد ایران خواهد شد.

تأثیر بحران موجود بر اقتصاد کشورهای نفتی همچون ایران را باید موضوع قابل توجهی دانست. هرگونه نگاه خوشبینانه به این بحران و برخورد ساده انگارانه با آن، جزء خطاهای استراتژیک است. زیرا اصولاً بحران نوعی تهدید است و مدیریت های استراتژیک باید تهدیدهای کوچک را هم جدی بگیرند و خوشبینانه از کنار آن نگذرند؛ یعنی آماده مقابله باشند و خوشبینی خام را در دستور کار قرار ندهند.

البته از ذکر این نکته نیز نباید غافل شد که تلاش تلاشگران صنعت نفت طی سال‌ها تحریم‌های بین‌المللی، باعث شده تا دیگر کشورها نیز در برابر این تلاش سر تعظیم فرود آورده و در حال حاضر، ایران را به عنوان یکی از اعضای کلیدی سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و مهره‌ای مهم در شطرنج جهانی صنعت نفت، به شمار آورند.

شاید تقدیر غلامحسین نودری، وزیر نفت ایران، از تلاشگران صنعت نفت (فازهای ۹

و ۱۰ پارس جنوبی) که شبه شب (۳۰ فروردین) صورت گرفت، نیز بر همین اساس باشد؛ چرا که نودری اجرای فاز ۹ و ۱۰ پارس جنوبی توسط مهندسان ایرانی را نمونه‌ای از خودباوری در اجرای پروژه های صنعت نفت دانسته و تاکید کرد: این که می‌گوییم صنعت نفت و گاز کشور ملی، به دلیل همین باورها است.

این در حالی است که سیر نزولی بهای نفت و کاهش حجم فروش نفت ایران به دلیل اجرای سهمیه بندی اوپک، درآمدهای نفتی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. آنچه این شوک نفتی را از شوک‌های پیشین ناشی از سقوط قیمت نفت متمایز می‌سازد، همراهی آن با رکود اقتصاد جهانی است که این همزمانی، موجب کاهش درآمدهای ناشی از صادرات غیرنفتی نیز شده است.

### چشم انداز عرضه و تقاضای انرژی تا سال ۲۰۳۰

انرژی، یک سرمایه‌گذاری متمرکز بلندمدت است. ما به عنوان یک بازیگر اصلی در صنایع انرژی جهانی (نفت و گاز)، باید توقع و تلاش خود را در جهت پیشبرد و تغییر این صنعت، به سوی حالتی که جذب کننده سرمایه‌ها باشد، به کار گیریم. اکنون تلاش بر این است تا در این مختصر، با به دست دادن آمار و ارقامی از میزان عرضه و تقاضای انرژی (به طور خاص، نفت و گاز) در شرایط کنونی و پیش‌بینی روند آن در سالهای آتی امکانات و ضرورت‌ها و قابلیت‌های کشورمان را در عرصه صادرات گاز بطور اجمال مورد بحث قرار دهد.

### رشد اقتصادی و توسعه جمعیتی؛ افزایش نیاز جهانی به انرژی

انرژی نسبت به رشد اقتصادی حساس است. پیش‌بینی می‌شود که اقتصاد جهانی تا سال ۲۰۳۰ از نظر حجم و اندازه دوبرابر شود. عمده این افزایش مربوط به کشورهای در حال توسعه است که امروزه تنها ۲۵٪ از خروجی اقتصاد جهانی را در اختیار دارند. تا سال ۲۰۳۰ این سهم به ۲۰٪ افزایش خواهد یافت که این امر نتیجه توسعه سریع اقتصادی کشورهای نظیر چین هند اندونزی و مالزی می‌باشد.

از طرف دیگر، جمعیت جهان نیز در حال توسعه است. در حال حاضر هنوز میلیونها نفر از مردم جهان به انرژی الکتریکی دسترسی ندارند و به سوخت های ابتدایی مانند چوب و پوشال درختان برای ایجاد گرما و نیز پخت و پز وابسته‌اند.

رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال

توسعه در طول ربع قرن آینده تأثیری شگفت‌انگیز بر تقاضای جهانی انرژی و الگوهای تجاری آن دارد.

### نیاز عظیم و رو به رشد به انرژی

در حال حاضر، به طور متوسط روزانه ۲۵۰ میلیون بشکه انرژی (بشکه معادل نفت) در جهان مصرف می‌شود که این مقدار به طور یکسانی میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه توزیع شده است.

انتظار می‌رود که با توجه به میزان رشد اعلام شده توسط کشورهای در حال توسعه سریع تا سال ۲۰۳۰ نیاز جهانی انرژی تقریباً ۵۰٪ بیشتر از مصرف کنونی جهانی باشد.

### سوخت های فسیلی منابع غالب انرژی

با گذشت زمان، منابع جدید انرژی و تکنولوژی‌های پیشرفته مربوط به آنها مورد نیاز خواهد بود. با این وجود، دست کم تا سال ۲۰۳۰ سوخت های فسیلی و از جمله گاز همچنان اصلی‌ترین پاسخگوی تقاضای جهانی انرژی خواهند بود. این نوع سوخت، تنها منبعی است که از نظر مقدار و ظرفیت انعطاف‌پذیری، توانایی برآورده کردن این نیاز عظیم جهانی به انرژی در طول این دوره را دارد.

تقاضای مصرف نفت ۴/۱ تا ۶/۱ درصد و زغال سنگ ۳/۱ تا ۵/۱ درصد پیش بینی شده است که از اهمیت دوباره نفت در دو دهه آینده حکایت می‌کند. با این توصیف، در سی سال آینده اگر چه سهم نفت در سبد تقاضای مصرف انرژی جهانی از بیش از ۴۰ درصد به حدود ۳۸ درصد کاهش می‌یابد، اما همچنان به منزله مهم‌ترین سوخت جهانی تلقی می‌شود.

- نفت و گاز مشترکاً نزدیک به ۶۰٪ کل تقاضای انرژی در سال ۲۰۳۰ (سهمی مشابه میزان امروزی) را پاسخگو خواهند بود.

- انتظار می‌رود که مصرف نفت سالیانه ۴/۱ درصد رشد داشته باشد. ارتقای سیستم مصرف سوخت وسایل نقلیه، رشد تقاضا را محدود می‌کند.

- پیش بینی می‌شود که رشد مصرف گاز ۸/۱ درصد در سال باشد که علت عمده‌ی آن، رشد شدید تقاضای جهانی برای انرژی الکتریکی است.

### گاز طبیعی

تولید توان بالای انرژی، مزیت های زیست محیطی و فناوری پیشرفته LNG باعث رشد تقاضا برای گاز خواهد بود.

میزان تقاضا برای گاز طبیعی همزمان با رشد نیازها به انرژی الکتریکی افزایش پیدا خواهد کرد. این رشد

با در نظر گرفتن مزایای موجود در گاز در زمینه میزان بازدهی آن در تولید انرژی و همچنین مزیت های زیست محیطی آن تقویت می‌شود. این رشد در آسیا و اقیانوسیه سریعتر خواهد بود.

در اینجا شاید بتوان گفت چشم‌انداز صنعت گاز ایران در منطقه با وجود منطقه گازی



استخراج نفت از این منابع سامان یافته است؛ به گونه‌ای که بتواند در آینده نزدیک، بهره‌برداری بیشتر از این منابع را به صرفه کند. حتی در برآوردهای منابع تولیدی آینده، سهمی بیشتر برای این منابع قائل شده اند و باید در انتظار تحولاتی جدید در این زمینه بود.

### نتیجه گیری

بازار تقاضای انرژی میدان مناسبی برای استفاده از منابع خدادادی کشور است. افزایش رو به رشد تقاضا و مصرف انرژی (نفت و گاز) در جهان و قابلیت های کشور ایران فرصت حضور هر چه قوی تر آن را در عرصه صادرات انرژی و بازارهای جهانی گشود می کند. خوشبختانه ایران از نظر صادرات نفت مشکل چندانی ندارد. پس تنها لازم است سیاست هایی جهت توسعه صادرات گاز اعمال شود.

با توجه به اینکه ایران از لحاظ جغرافیایی در همسایگی روسیه کشورهای CIS و همچنین در قسمت شرقی اروپا قرار دارد قابلیت صدور حجم های عظیم گاز طبیعی به بازارهای کشورهای اروپایی و بازارهای رو به رشد انرژی ناحیه شرق آسیا را دارد.

واضح است که ایران به عنوان دومین دارنده مخازن گاز جهان باید تا کنون در ردیف کشورهای اصلی صادرکننده ی گاز قرار می گرفت. از جمله عواملی که مانع چنین امری شده است منابع ناکافی سرمایه گذاری تقاضای بالای داخلی برای سوخت تزریق گاز به مخازن نفتی سیاست های زیست محیطی داخلی برای جایگزینی نفت و گازوئیل با گاز و نیز ناتوانی عده ای از متقاضیان خرید، در جداسازی سیاست از اقتصاد و یا حل اختلافات و مشاجره هایی مانند نزاع هند و پاکستان بر سر مساله کشمیر را می توان نام برد.

به هر حال، موقعیت ژئواکونومیک ایران آن را از سایر کشورهای با منابع غنی گاز در منطقه متمایز می کند. ایران در بطن کشورهای تولید کننده عمده نفت و گاز است. این کشور با ۱۵ کشور، مرز آبی و خاکی مشترک دارد. همچنین ایران با داشتن ۷۰ میلیون نفر جمعیت از نیروی متخصص قوی تری برخوردار است. بدین طریق و با در نظر گرفتن حجم عظیم منابع گازی موقعیت جغرافیایی و نیروی انسانی ایران قادر است به سرعت به عنوان یکی از اصلی ترین تامین کنندگان گاز طبیعی در بازارهای جهانی ظاهر شود.

پروژه ها و طرح هایی که ایران می تواند در زمینه صادرات گاز انجام دهد شامل پروژه های انتقال گاز از طریق خط لوله پروژه های LNG و سیستم های تبدیل گاز به مایع (GTL) است. خوشبختانه کارهایی در این زمینه ها در دست انجام است که با مقایسه میزان کنونی تولید و پتانسیل ظرفیت مطلوب تولید، ضرورت گسترش هرچه بیشتر این گونه اقدامات را درمی یابیم. ▲



پارس جنوبی می تواند چشم اندازی مثبت و روشن باشد. چندی پیش، مارک هال، رییس کمیته بازاریابی اتحادیه بین المللی گاز، در بازدید از پالایشگاههای فاز ۱ و فازهای ۵ و ۴ این شرکت گاز پارس جنوبی گفت: وقتی که به ذخایر انرژی جهان نگاه می کنیم، در می یابیم که ایران دارنده دومین ذخایر انرژی دنیا است.

مارک هال، مدیر عامل شرکت بایرن گاز آلمان، با اشاره به اینکه هم اکنون نقش ایران در صادرات گاز اندک است، اظهار داشت: ایران با توسعه پالایشگاههای گازی می تواند نقش مهمی در تامین گاز دنیا داشته باشد. وی جایگاه و عملکرد شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی را با داشتن بزرگترین مخزن گازی دنیا تحسین برانگیز دانست و افزود: با توجه به ساخت و توسعه پالایشگاههای گازی پارس جنوبی و چشم انداز آینده، هنوز راه طولانی تا رسیدن به برنامه و چشم انداز شرکت تا سال ۲۰۲۵ وجود دارد.

با این حال، چنین توصیفی از وضعیت ذخایر گازی ایران و نیز با مد نظر قرار دادن اختلافات گازی اوکراین و روسیه که در ابتدای سال جاری میلادی برای دومین بار، منجر به قطع گاز اوکراین و به تبع آن، قطع گاز ارسالی به اروپا شد، می توان چنین استنباط کرد که ایران با کمی هوشیاری می تواند سهم جایگاه خود در بازار گاز منطقه را افزایش داده و جایگزین خوبی برای گاز روسیه باشد.

این امر به خوبی در سخنان طرف های اروپایی نیز مشهود است؛ زمانی که اعلام می کنند خط لوله ناباکو بدون ایران عملی نیست و تنها با ایران، امنیت آن تضمین شده است.

یکی از نتایج مهم افزایش رو به رشد تقاضا برای گاز طبیعی نقش فزاینده ی صادرات گاز به ویژه در امریکای شمالی و اروپا، که انتظار می رود از میزان تولید داخلی شان کاهش یابد می باشد. برای ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضا فاصله بین کشورهای اصلی مصرف کننده گاز و منابع عرضه آنها، افزایش می یابد.

در حالی که خطوط لوله به عنوان یک وسیله ی مناسب و کارآمد در انتقال حجم عمده گاز، باقی می ماند جهان به نحو چشمگیری به گاز طبیعی مایع (LNG) اعتماد خواهد کرد که در حجم های عظیم از طریق اقیانوسها و به وسیله ی تانکرهای LNG حمل و نقل می شود.

پیش بینی می شود که در امریکای شمالی تا سال ۲۰۳۰ علی رغم افزایش عرضه از طریق خطوط لوله های شمالی و پیشرفتهای عرصه گاز صادرات LNG تا حد ۲۵ عرضه ی جهانی افزایش یابد (این رقم در حال حاضر ۳ است).

انتظار می رود که این افزایش برای اروپا به میزان

۸۰ — ۴۰ کل عرضه باشد. علاوه بر LNG، صادرات از طریق خطوط لوله توسط روسیه و کشورهای حوزه خزر و بویژه ایران افزایش پیدا خواهد کرد.

تقاضای گاز در آسیا و اقیانوسیه در طول ۲۵ سال آینده ۳ برابر خواهد شد. تولیدات داخلی کشورها به طور عمده با این میزان بالای نیاز مواجه خواهد شد. با این وجود تداوم صادرات از طریق خطوط لوله و انتقال حجم های عمده به حالت LNG نیز مورد انتظار است.

### رشد غیرمنتظره ی LNG

تا سال ۲۰۳۰ بازار LNG به طور شگرفی به صورت افزایش ۵ برابری حجم آن تا حدود ۷۵ میلیارد فوت مکعب در روز (BCFD)، تغییر خواهد کرد. این میزان برابر ۱۵٪ حجم کل بازار گاز جهانی در سال ۲۰۳۰ در مقایسه با میزان ۵٪ آن در سال ۲۰۰۰ است. مرکزیت عرضه جهانی LNG از بخش های آسیا-اقیانوسیه به منطقه خاورمیانه و آفریقای غربی تغییر خواهد کرد.

### وابستگی جهانی به عرضه منطقه خاورمیانه و

### رویکرد محتمل برای گریز از آن

پیش بینی می شود که حجم عرضه منطقه خاورمیانه به راحتی دو برابر میزان عرضه توسط آفریقا یا منطقه آسیا-اقیانوسیه باشد. بنابراین به نظر می رسد که منابع و مخازن موجود و عرضه آن نسبت به میزان تقاضا کافی باشد. با این حال با توجه به اینکه روند امور در دهه های آینده، از خروج تعدادی از میدان های هیدروکربوری بزرگ در منطقه غیر خاور میانه از روند تولید حکایت دارد؛ از این رو تشدید میزان وابستگی واردکنندگان نفت و گاز به این منطقه همچنان وجود خواهد داشت.

یکی از مواردی که می تواند از وابستگی کشورهای واردکننده نفت و گاز از منطقه خاور میانه بکاهد، گسترش استفاده از منابع نفتی نامتعارف همچون ماسه های نفتی است که عمده منابع آن در کانادا و ونزویلا متمرکز است و بر مبنای برآوردهای اولیه، ذخایر آن از کل ذخایر نفت متعارف خاورمیانه بیشتر است.

به علت محدودیت بهره برداری از این منابع و گران بودن هزینه تمام شده، استخراج از این منابع صرفه اقتصادی ندارد. هم اکنون تمرکز بسیار شدیدی در تحقیقات لازم برای بهبود فناوری های بالادستی و